

تأثیر اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) بر تکوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با تمرکز بر نوع حکومت، حاکمیت و نهادهای سیاسی)

آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی*

استاد گروه حقوق خصوصی و حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

نادر میرزاده کوهشاهی

دانش آموخته دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران (پردیس قم)

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۶/۴)

چکیده:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محصول انقلاب اسلامی است که این انقلاب به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید. از آنجا که امام خمینی (ره) اندیشه‌های مشخصی در خصوص مسائل اساسی حکومت داشته است، این پرسش بنیادی را می‌توان به میان نهاد که اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) چگونه بر تکوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار بوده است و این تأثیر گذاری چه میزان بوده است؟ در این مقاله تلاش می‌شود به پرسش فوق پاسخ داده شود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. از مطالبی که بیان خواهد شد به این نتیجه خواهیم رسید که اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) تأثیر تعیین کننده‌ای بر تکوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه موضوعات مربوط به نوع حکومت، حاکمیت و نهادهای سیاسی داشته است.

واژگان کلیدی:

اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره)، تکوین قانون اساسی، حکومت، حاکمیت، نهادهای سیاسی.

مقدمه

امام خمینی (ره) دارای دیدگاه‌های مشخصی در خصوص مسائل اساسی حکومت بوده‌اند. از جمله این که ایشان معتقد به ارتباط تنگاتنگ دین و سیاست، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، حاکمیت الهی و مردمی، تصدی حکومت از سوی فقهای عادل در عصر غیبت امام معصوم (ع) بودند و به مصلحت نظام و نقش و جایگاه قانون اساسی به عنوان یک قانون بنیادین و سرنوشت ساز توجه داشتند. این اندیشه‌ها خود زمینه ساز اقدامات و فعالیت‌های سیاسی امام (ره) به ویژه رهبری انقلاب اسلامی و بنیانگذاری نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند. قانون اساسی مهم‌ترین منبع حقوق اساسی است. این قانون بنیادین که ترسیم کننده چارچوب حقوقی نظام سیاسی است، همچنان برای مطالعه حقوق اساسی از اهمیت دست اول برخوردار است. در ایران دومین قانون اساسی تاریخ کشور، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی ایران به تصویب رسید. بی تردید بدون اندیشه و عمل امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی به پیروزی نمی‌رسید و قانون جمهوری اسلامی ایران هم تصویب نمی‌شد و موضوعیت نمی‌یافت. در نتیجه مطالعه، بررسی و شناخت چگونگی و میزان تأثیرگذاری اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) بر تکوین و شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موضوعی بسیار مهم و ضروری برای آشنایی با مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مطالعات و تحقیقات بسیار راجع به انقلاب اسلامی، رهبری امام خمینی (ره) و اندیشه‌های سیاسی ایشان صورت گرفته است. در حوزه حقوق اساسی هم تحقیقات متعدد انجام شده و موضوعات مختلفی از دیدگاه امام خمینی (ره) در این خصوص در قالب کتاب، مقاله و پایان نامه مورد مطالعه واقع شده است. بررسی مطالعات انجام شده، نشان می‌دهد که تاکنون از این منظر که اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) چگونه و به چه میزان بر تکوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأثیر داشته است، تحقیقی مستقل انجام نگرفته است و این پرسش اساسی قابل طرح است که اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) چگونه و چه تأثیری بر تکوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

نظر به اهمیت موضوع، در مقاله حاضر سعی بر این است که به پرسش فوق پاسخ داده شود و تأثیر اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) بر تکوین قانون اساسی بررسی شود. فرضیه تحقیق این است که اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) در تکوین قانون اساسی به ویژه موضوعات مربوط به نوع نظام سیاسی، حاکمیت و نهادهای سیاسی تأثیری تعیین کننده داشته است. منظور از تکوین و شکل‌گیری قانون اساسی، هم در زمان تصویب در سال ۱۳۵۸ و هم

موارد بازنگری شده در سال ۱۳۶۸ است. تمرکز مقاله بر بررسی تأثیر اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) بر تکوین موضوعات مربوط به نوع نظام سیاسی، حاکمیت و نهادهای سیاسی در قانون اساسی است.

مطالب در دو بخش ارائه خواهد شد: در بخش اول روند تکوین (شکل‌گیری) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری پیش‌نویس تا بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ با تأکید بر چگونگی تأثیر گذاری اندیشه و عمل امام خمینی (ره) بر مسائل، بحث و بررسی می‌شود. در بخش دوم، موضوعات قانون اساسی که متأثر از اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) است، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. در پایان با جمع‌بندی مطالب از مباحث ارائه شده نتیجه‌گیری به عمل خواهد آمد.

بخش اول: روند تکوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱- پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه ساز تکوین قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران

پس از فوت آیت الله بروجردی در ابتدای سال ۱۳۴۰، امام (ره) در برابر برنامه‌های رژیم شاه برای انجام اصلاحات از جمله لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ ایستادگی کرد و عملاً مبارزه خود با رژیم شاه را آغاز نمود. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۱۱۲-۷۸ و عمید زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷) انقلاب سفید شاه در اواخر سال ۱۳۴۱ بار دیگر مخالفت امام (ره) را در پی داشت. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۱۶۵-۱۵۵) این مخالفت با اقدام رژیم در حمله به فیضیه همراه بود و سخنرانی امام (ره) در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ و دستگیری ایشان و قیام ۱۵ خرداد را به دنبال داشت (منصوری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹). این قیام آغازی برای پایان دادن به سلطه رژیم پهلوی بود. امام (ره) پس از آزادی در فروردین ۱۳۴۳ همچنان بر مبارزه با رژیم تأکید داشت. این امر در مقابله ایشان با تصویب کاپیتولاسیون نمایان گردید (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۲۶۱ به بعد) و تبعید امام (ره) در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه را به دنبال داشت. امام (ره) در دوران تبعید و نیز پس از انتقال در سال ۴۴ به عراق مبارزات خود را به ویژه مبارزات فکری و فرهنگی خود را ادامه دادند. از آن جمله می‌توان به تدریس بحث حکومت اسلامی یا ولایت فقیه در نجف در سال ۱۳۴۸ اشاره نمود (روحانی، ۱۳۸۱، ص ۷۱۵) که خود مبنای تئوریک و نظری برای مبارزه با رژیم و استقرار حکومت اسلامی بود. از آبان سال ۱۳۵۶ با درگذشت مشکوک فرزند ارشد امام (ره)، سخنرانی‌هایی علیه رژیم صورت گرفت (شجاعی زند، ۱۳۸۵، صص ۱۴-۱۰) و بالاخره با انتشار مقاله توهین آمیز علیه امام (ره) مبارزات مردم وارد مرحله‌ای جدید گردید. (مدنی، بی‌تا، صص ۳۲۸-۳۲۰) امام (ره) لحظه به لحظه و با درایت و تدبیر مبارزات را با تأکید بر اهداف

اسلامی و الهی پیش بردند و با رهبری ایشان و حضور مردم سرانجام عمر رژیم سلطنتی به پایان رسید و انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ به پیروزی رسید و زمینه برای تکوین قانون اساسی جمهوری اسلامی فراهم گردید.

۲- تعیین نوع نظام سیاسی

از امور مهم که از سوی امام (ره) پیگیری گردید و در تکوین قانون اساسی تأثیر گذار بود، تعیین نوع نظام سیاسی بود. از اواخر مهر ۱۳۵۷، امام (ره) بیشتر در پاسخ خبرنگارانی که نوع حکومت جایگزین رژیم سلطنتی را جویا می‌شدند، «جمهوری اسلامی» را مطرح می‌نمودند (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۴، ص ۳) و بارها در مناسبت‌های مختلف از این شکل حکومت سخن گفتند به گونه‌ای که این خواست رهبری انقلاب به عنوان یکی از شعارهای اصلی انقلاب درآمد (نک شفیع فر، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

امام (ره) در حکم انتصاب مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت، مهم‌ترین وظیفه وی را انجام رفراندم و رجوع به آراء عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی، مشخص نمودند (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، جلد ۶، ص ۵۴).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام (ره) از نهم اسفند ۱۳۵۷ همواره تا روز برگزاری همه پرسی تعیین نوع نظام سیاسی، تعیین نوع نظام سیاسی را از اولویت‌های اصلی معرفی و بر جمهوری اسلامی به عنوان شکل مطلوب نظام سیاسی کشور تأکید کردند و به شدت عناوین دیگری که برای نظام سیاسی مطرح می‌گردید را نفی کردند (اهوازی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴) و از مردم خواستند به جمهوری اسلامی رأی بدهند (اهوازی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۱ به بعد). و در رفراندم تعیین نوع نظام سیاسی، مردم با اجابت دعوت امام (ره) به جمهوری اسلامی رأی دادند. تعیین جمهوری اسلامی به عنوان نوع نظام سیاسی خود خط مشی کلی تدوین و تصویب قانون اساسی را هم نشان داد و قانون اساسی هم باید در همین چارچوب کلی تدوین و تصویب می‌شد.

۳- تکوین پیش نویس قانون اساسی

از هنگامی که امام (ره) نوع حکومت آینده را در مهر ماه ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی معرفی کرد (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۴، ص ۳)، مشخص بود که باید قانون اساسی جدیدی هم برای حکومت آینده تدوین شود. حضرت امام (ره) در تاریخ ۱۰ دی ماه ۱۳۵۷ اعلام کرد: «قانون اساسی که رژیم ایران را سلطنتی می‌شناسد، چون از نظر ملت رژیم سلطنتی مردود است، از اعتبار ساقط است و باید قانون اساسی جدیدی تدوین شود.» (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۵، ص ۳۰۴) ایشان در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۵۷ نیز ضمن تأکید بر تدوین قانون اساسی جدید اعلام کرد: «اکنون مشغول تهیه قانون اساسی جدیدی هستیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۵، ص ۴۰۰) امام (ره) در

۲۲ دی ماه ۱۳۵۷، از مأموریت‌های شورای انقلاب را تهیه مقدمات تأسیس دولت انتقالی اعلام کردند و از وظایف دولت جدیدی که تشکیل خواهد شد را «تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم به منظور تصویب قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی» دانستند. (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۵، ص ۴۲۶).

پس از ورود تاریخی امام خمینی (ره) به ایران، ایشان در حکم نخست وزیر دولت موقت، فراهم کردن مقدمات تصویب قانون اساسی را پس از همه پرسشی تغییر نظام سیاسی کشور، به عنوان دومین مأموریت اساسی نخست وزیر و دولت موقت مشخص کردند. (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۶، ص ۵۴). از این پس امر تدوین پیش نویس قانون اساسی وارد مرحله‌ای جدید می‌شود و طرح‌هایی تهیه و به دولت موقت ارائه می‌شود و در شورای طرح‌های انقلاب مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

صدور فرمان مورخ ۴ خرداد ۱۳۵۸ حضرت امام (ره) خطاب به نخست وزیر دولت موقت، نقطه عطفی در تکوین قانون اساسی بود و از جهات مختلف بر مراحل بعدی تکوین قانون اساسی و محتوای آن تأثیر گذار بود. از نکات و موارد مهمی که در این فرمان وجود دارد می‌توان به تأکید امام (ره) بر تسریع در طی مراحل تدوین و تصویب قانون اساسی، تأکید بر اسلامی بودن انقلاب اسلامی و در نتیجه لزوم اسلامی بودن قانون اساسی و مشخص نمودن مراحل تدوین و تصویب قانون اساسی اشاره نمود (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۷، صص ۲۸۳-۲۸۲). پس از این فرمان، پیش نویس قانون اساسی تهیه و پس از تصویب شورای انقلاب در معرض افکار عمومی گذاشته شد.

امام (ره) پس از انتشار پیش نویس قانون اساسی، ضمن تأکید بر اسلامی بودن قانون اساسی (نک امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، ص ۱۶۶) آحاد جامعه به ویژه علمای اسلام، اسلام شناسان و صاحب‌نظران را به نقد و بررسی و اظهار نظر در خصوص آن فراخواند که این امر فراهم کننده بستر مناسب جهت تحول در پیش قانون اساسی بود. شاید بتوان مواضع امام (ره) در خصوص لزوم اظهار نظر در پیش نویس قانون اساسی را به طور نمادین در این جمله ایشان یافت که «این پیش نویس هیچ چیز نیست» (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، ص ۲۴۶). امام (ره) نه تنها عموم صاحب‌نظران را دعوت به طرح نظراتشان در خصوص پیش نویس قانون اساسی می‌نماید، بلکه وعده می‌دهد که این نظرات و اشکالات بررسی خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۸، ص ۳۰۳). که اشاره به بررسی و بهره برداری از پیشنهادات در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی است. دعوت امام (ره) نقدهای بسیاری از قانون اساسی را به دنبال داشت که از جمله نقدهایی که در این مقطع از سوی علما و صاحب‌نظران مطرح گردید عدم درج ولایت فقیه در پیش نویس قانون اساسی بود (قلنی، ۱۳۸۴، ص ۳۹۴).

۴ - تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی

علاوه بر دعوت از عموم و صاحب‌بنظران برای نقد پیش نویس قانون اساسی، موضوعی که اهمیت داشت و امام (ره) باید امور را در مجرای صحیح هدایت می‌نمود مسأله تشکیل مجلس خبرگان بود.

در خصوص تشکیل مجلس خبرگان، امام (ره) با مخالفت با تشکیل مجلس مؤسسان (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۸، ص ۱۶۳) از تأخیر در تصویب قانون اساسی جلوگیری نمودند. در مقطع انتخابات مجلس خبرگان هم امام (ره) ضمن دعوت مردم برای شرکت در انتخابات، ویژگی‌هایی که اعضای مجلس خبرگان باید داشته باشند را بیان نمودند که از مهم‌ترین ویژگی‌ها را اسلام شناس بودن بیان کردند و بر انتخاب علما و اسلام شناسان از سوی مردم تأکید کردند (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، صص ۵۵، ۶۷، ۹۲ و ...) و در عین حال علما را به متحد شدن در انتخابات دعوت کردند. (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، ص ۲۳۸، همچنین نک یزدی، ۱۳۸۰، ص ۵۲۵) نتیجه این امر این بود که مردم در انتخابات مجلس خبرگان غالب اعضای مجلس خبرگان را از علما و اسلام شناسان انتخاب نمودند که این امر خود در تکوین موضوعات قانون اساسی مؤثر بود.

۵ - تصویب قانون اساسی در مجلس خبرگان قانون اساسی

پس از انجام انتخابات مجلس خبرگان، امام (ره) به مناسبت آغاز به کار این مجلس پیامی مهم خطاب به اعضای مجلس خبرگان صادر کردند. این پیام تعیین کننده راهبرد کلی مجلس خبرگان در تصویب قانون اساسی بود و سبب شد که نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی که اغلب از روحانیت و نیروهای مسلمان پیرو امام (ره) بودند بدون هرگونه تردیدی به بررسی و تصویب قانون اساسی منطبق بر موازین اسلامی بپردازند.

تأکید بر تصویب قانون اساسی منطبق با موازین اسلام، عدم دخالت افراد غیر متخصص در تشخیص احکام اسلام که با فقه‌های اسلام است، عدم تأثیر پذیری از شرق و غرب در تصویب قانون اساسی، لزوم استقلال نمایندگان خبرگان و نهراسیدن از جنجال‌ها، توجه دادن به این امر که صلاحیت نمایندگان فراتر از پیش نویس قانون اساسی است، از مهم‌ترین محورهای پیام امام (ره) بودند (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، صص ۳۰۸ و ۳۰۹)

مجلس خبرگان قانون اساسی با رهنمودهای امام خمینی (ره) و خواست اکثریت قاطع اعضا، در تصویب قانون اساسی مسیر مستقل خود را پیش گرفت. تغییر آیین نامه داخلی مجلس خبرگان تهیه شده به وسیله دولت موقت و کنار گذاشتن پیش نویس قانون اساسی دولت موقت از موارد بارز این انتخاب مسیر مستقل بود. (نک مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۳۳-۱۱) این رویکرد مجلس خبرگان بیش از هر چیز تأکید بر ابعاد اسلامی نظام جمهوری اسلامی

و حرکت در جهت ایجاد یک حکومت اسلامی را به دنبال داشت. با کنار گذاشتن پیش نویس به عنوان تنها طرحی که مبنای کار باشد، زمینه برای استفاده از پیشنهادهای متعدد که به مجلس خبرگان واصل شده بود، فراهم شد و این امر به نوبه خود باعث تصویب موضوعات و اصولی در قانون اساسی گردید که در پیش نویس مطرح نشده بودند. از جمله مهم‌ترین موضوعات در این خصوص می‌توان به موضوع ضرورت انطباق تمام قوانین با موازین اسلامی که خود تغییرات زیادی را در سایر اصول به همراه داشت و موضوع ولایت فقیه که مجموعه ساختار حکومت و نهادهای سیاسی را تحت تأثیر قرار داد اشاره نمود. مصوبات مجلس خبرگان نگرانی جدی بسیاری از اعضای دولت موقت را به دنبال داشت و آنها مجلس خبرگان را آن چیزی نیافتند که انتظار داشتند. در نتیجه اصل موجودیت این مجلس را با استدلالی به ظاهر حقوقی نشانه رفتند و طرح انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی را به بهانه انقضای مدت کار آن تهیه نمودند و قصد به اجرا گذاشتن آن را داشتند (آیت، ۱۳۶۰، ص ۱۹۳ و اسماعیلی، ۱۳۸۴، صص ۱۳۱ و ۱۳۲). امام (ره) با قاطعیت در برابر طرح انحلال مجلس خبرگان واکنش نشان داد و طراحان آن را ناکام کرد. (امام خمینی، ۱۳۸۵، (ب)، ج ۱۰، صص ۳۰۷ و ۳۰۸ و ج ۱۴، ص ۴۳۸).

پس از پایان تصویب قانون اساسی نوبت به مراجعه به آراء عمومی رسید. امام (ره) در آستانه برگزاری همه پرسی قانون اساسی طی پیامی مهم خطاب به ملت ایران، ضمن تأکید بر اهمیت قانون اساسی و بیان این امر که در روز اخذ رأی به قانون اساسی رأی مثبت خواهد داد، همه را برای شرکت در همه پرسی قانون اساسی دعوت نمودند (امام خمینی، ۱۳۸۵، (ب)، ج ۱۱، صص ۱۳۷ و ۱۳۸) ایشان پس از اتمام کار مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، قانون اساسی مصوب این مجلس را مورد تأیید قرار دادند (امام خمینی، ۱۳۸۵، (ب)، ج ۱۱، ص ۱۰۲) و آن را بزرگ‌ترین ثمره جمهوری اسلامی ایران و سرنوشت ساز خواندند (امام خمینی، ۱۳۸۵، (ب)، ج ۱۱، صص ۱۳۷ و ۱۳۸).

۶- بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اگر چه چگونگی بازنگری در قانون اساسی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به تصویب نرسید (نک مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۷۳۶-۱۷۳۴ و خلیلی، ۱۳۷۸/۱۳۷۹، ص ۱۵۶) اما از همان نخستین روزهای پس از تصویب قانون اساسی در مجلس خبرگان و حتی قبل از به همه پرسی گذاشتن آن، موضوع بازنگری آن مطرح گردید و امام (ره) هم آن را نفی ننمود بلکه وعده داد که اشکالات احتمالی در فرصت مناسب مرتفع شود. (امام خمینی، ۱۳۸۵، (ب)، ج ۱۱، صص ۱۳۷ و ۱۷۵)

پایان جنگ تحمیلی فراهم کننده زمینه‌ای مناسب برای بازنگری قانون اساسی بود تا ایرادات این قانون سرنوشت ساز که مهم ترین موارد آن ناهماهنگی در قوه مجریه، ناکارآمدی

مدیریت شورایی قوه قضائیه و اختلاف نظر مجلس و شورای نگهبان بود، اصلاح گردد. (نک عمید زنجانی، ۱۳۸۷، صص ۲۳۴-۲۲۹)

از آنجا که راه بازنگری قانون اساسی، در قانون اساسی ۱۳۵۸ مشخص نشده بود، و نظر به موقعیت امام (ره) به عنوان بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، ولی فقیه، رهبر انقلاب و بالاترین مقام رسمی کشور، مسؤولان نظام در قوای مختلف طی نامه‌هایی موضوع بازنگری در قانون اساسی را به ایشان پیشنهاد کردند (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۲، صص ۲۲۳ و ۲۲۴) و باز هم زمینه‌ای برای تأثیر گذاری اندیشه‌های حکومتی امام (ره) بر تکوین موضوعات قانون اساسی فراهم شد.

امام (ره) که بیش از هر فردی بر ضرورت بازنگری در قانون اساسی واقف بودند در چهارم اردیبهشت ۱۳۶۸ طی حکمی خطاب به رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران، دستور تشکیل شورای بازنگری را صادر نمودند (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۶۳)

در این فرمان جامع دلایل بازنگری به طور کلی و در مقطع سازندگی، شیوه و مراحل بازنگری، ترکیب شورای بازنگری، موضوعاتی که باید بازنگری شود، مدت انجام بازنگری و مجری فرمان مشخص شده‌اند.

شورای بازنگری برابر دستور امام (ره) محورهای مشخص شده را مورد بررسی قرار داد و اصول متعددی از قانون اساسی را اصلاح و دو اصل جدید هم به آن الحاق کرد (نک عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۶۱۰).

بخش دوم: موضوعات قانون اساسی متأثر از اندیشه‌های امام خمینی (ره)

تأثیر گذاری امام (ره) بر تکوین قانون اساسی را می‌توان در یک تقسیم بندی کلی به دو نوع تقسیم نمود: الف- تأثیرگذاری عام که منظور از آن، تأثیراتی است که نسبت به همه اصول قانون اساسی و یا کلیت قانون اساسی صادق هستند. ب- تأثیرگذاری خاص که منظور از آن تأثیراتی است که امام (ره) بر تکوین موضوعات خاصی از قانون اساسی داشته‌اند.

رهبری انقلاب اسلامی و پیروزی این انقلاب با رهبری امام (ره)، تأکید بر تصویب قانون اساسی و پیگیری مداوم ایشان در این خصوص، تأکید امام (ره) بر تشکیل مجلس خبرگان به جای تشکیل مجلس مؤسسان برای تسریع در تصویب قانون اساسی، دعوت به نقد پیش نویس قانون اساسی، حضور علما و شاگردان امام (ره) در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، مقابله امام (ره) با طرح انحلال مجلس خبرگان از جمله موارد عام تأثیرگذاری امام (ره) بر تکوین قانون اساسی است. شرح موارد مزبور در بخش نخست گذشت. اینک به بیان تأثیرگذاری خاص امام (ره) بر تکوین قانون اساسی، در خصوص موضوعات مربوط به حاکمیت، نوع حکومت و نهادهای سیاسی می‌پردازیم.

۱- حکومت و حاکمیت

امام (ره) مدت‌ها قبل از انقلاب اسلامی، نوع حکومت مطلوب برای جایگزینی رژیم سلطنتی را «جمهوری اسلامی» معرفی نمودند و بارها بر آن تأکید کردند و اعلام کردند که در همه پرس‌و‌پرسی تعیین نوع نظام سیاسی به آن رأی خواهند داد و از مردم هم تقاضا کردند به آن رأی دهند و مردم هم به دعوت امام (ره) لبیک گفتند و در همه پرس‌و‌پرسی انجام شده در روزهای دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸، به «جمهوری اسلامی» رأی مثبت دادند. بدین گونه امام (ره) در تعیین نوع نظام سیاسی نقش مهمی ایفا نمودند. با عنایت به رأی قاطع مردم به نوع حکومت مورد نظر امام (ره)، تثبیت این حکومت در قانون اساسی نیز قطعی گردید و اصولاً قانون اساسی باید در همین چارچوب تصویب می‌گردید.^۱

با عنایت به اینکه هر کدام از انواع حاکمیت الهی و ملی که در اصل پنجاه و ششم قانون اساسی مقرر شده‌اند را می‌توان نماد یک وجه از وجوه نوع حکومت در قانون اساسی دانست، یعنی حاکمیت الهی را نماد اسلامیت نظام و حاکمیت ملی را نماد جمهوریت نظام تلقی نمود، اثر گذاری امام (ره) در تعیین نوع نظام سیاسی، را می‌توان در خصوص بیان انواع حاکمیت در قانون اساسی هم صادق دانست.

بعد از تعیین نوع حکومت هم، تأکیدات مکرر ایشان بر حاکمیت اسلام، انتخاب علما و روحانیون برای عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی، تذکر به اعضای مجلس خبرگان نسبت به لزوم تصویب قانون اساسی مطابق با معیارهای اسلامی، تأکید بر حق تعیین سرنوشت مردم نیز از موارد تأثیر اندیشه‌های امام (ره) بر حاکمیت در قانون اساسی است.

۲- رهبری

طرح مباحث ولایت فقیه در درس‌های امام (ره) در نجف اشرف و جلد دوم کتاب البیع و زمینه سازی تئوریک برای این موضوع از عوامل مهمی بود که باعث شد موضوع ولایت فقیه در مجلس خبرگان در قالب قانون اساسی قرار گیرد. (نک مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۹۲) کتب

۱. انکاء امور کشور به آراء عمومی مقرر در اصل ششم قانون اساسی، انتخابی بودن رهبر مقرر در اصول پنجم و یکصد و هفتم قانون اساسی، انتخابی بودن رئیس جمهور مقرر در اصل یکصد و چهاردهم قانون اساسی، به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های اساسی برای افراد ملت در اصول مختلف فصل سوم قانون اساسی، از جمله مصادیق جمهوریت نظام مقرر در قانون اساسی است. مبتنی بودن نظام بر پایه اصول دین و مذهب طبق اصل دوم قانون اساسی، اعلام رسمیت دین اسلام به موجب اصل دوازدهم قانون اساسی، لزوم مطابقت همه قوانین و مقررات نظام با موازین اسلامی مقرر در اصل چهارم قانون اساسی، قرار گرفتن ولی فقیه در رأس حکومت بنا به اصل پنجم قانون اساسی از جمله مصادیق اسلامیت نظام مقرر در قانون اساسی است.

مزبور در شورای بازنگری هم مورد استفاده و استناد اعضا بوده است. (نک مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۲۸۵ و ۱۲۸۶)

دعوت از عموم به ویژه علما و روحانیت برای اظهار نظر نسبت به پیش نویس قانون اساسی که زمینه ساز مطرح شدن ولایت فقیه بود. (قلنی، ۱۳۸۴، ص ۳۹۴، تأکید بر انتخاب علما و روحانیت و اسلام شناسان برای عضویت مجلس خبرگان (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، صص ۵۵، ۶۷، ۹۲ و...)، دعوت از علما برای متحد شدن در انتخابات خبرگان. (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، ص ۲۳۸) که حضور علما و اسلام شناسان در مجلس خبرگان را به دنبال داشت، تأکید بر تصویب قانون اساسی صد در صد اسلامی (نک امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، ص ۱۶۶) و تشجیع اعضای مجلس خبرگان در این خصوص (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، صص ۳۰۸ و ۳۰۹) و حمایت از تصویب ولایت فقیه در قانون اساسی پس از طرح موضوع ولایت فقیه در مجلس خبرگان (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۱۰، صص ۵۸ و ۵۹) در تصویب اصول متعدد مربوط به رهبری مؤثر بوده است.

تعیین موضوع رهبری به عنوان اولین موضوع برای بازنگری در فرمان امام (ره) (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۶۳) سبب تغییرات مهمی در خصوص رهبری گردید. از جمله تغییر چگونگی انتخاب رهبر، تغییر در شرایط رهبری و افزایش اختیارات رهبری. طرح موضوع ولایت مطلقه فقیه از سوی امام (ره) (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۰، صص ۴۵۱ و ۴۵۲) و اقدام بر اساس آن سبب شد که در بازنگری قانون اساسی موضوع ولایت مطلقه در اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی درج شود (نک مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۱۳۱۰، ۱۳۱۳، ۱۳۱۲، ۱۶۳۴ و ۱۶۵۱)

اظهار نظر صریح امام (ره) مبنی بر عدم نیاز به شرط مرجعیت برای رهبری در نامه به رئیس شورای بازنگری (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۷۱ و ۱۳۸۰، ص ۵۸) موجب شد که شورای بازنگری به حذف شرط مزبور از اصول پنجم و یکصد و هفتم قانون اساسی اقدام نماید. همچنین بیان این امر از سوی امام (ره) در نامه خود به رئیس شورای بازنگری، که «مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می‌کند. اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی منتخب مردم و حکمش نافذ است» (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۷۱ و ۱۳۸۰، ص ۳۷۱ و مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۵۸). در منحصر شدن شیوه انتخاب رهبری از طریق مجلس خبرگان رهبری، تأثیر داشته است. استناد برخی اعضای شورای بازنگری به نامه امام (ره) مؤید این امر است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۲، ۲۰۴ و ۱۲۵۶).

تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به دستور امام (ره) (نک مهرپور، ۱۳۸۷، صص ۶۶-۴۵)، اختیارات و وظایف جدیدی را در بازنگری قانون اساسی برای رهبری به همراه داشت. اختیارات رهبری در تشکیل مجمع، انتخاب اعضای آن، تأیید مقررات مربوط به مجمع مقرر

در اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی، اختیارات رهبری در حل معضلات نظام از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر در اصل یکصد و دهم قانون اساسی از آن جمله‌اند. همچنین مشخص کردن ارائه مشاوره به رهبری به عنوان یکی از وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام، در فرمان بازنگری (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۳۳) از سوی امام (ره)، باعث گردید که در برخی وظایف رهبری مشاوره با مجمع مزبور قید شود. از جمله مقرر شدن تعیین سیاست‌ها کلی نظام پس از مشورت با مجمع در اصل یکصد و دهم قانون اساسی و صدور فرمان بازنگری پس از مشورت با مجمع در اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی (نک مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲۲).

اضافه شدن کلمه «صحیح» به عبارت بینش سیاسی در شرایط و صفات رهبر مقرر در اصل ۱۰۹ قانون اساسی، با استناد به عبارت بینش صحیح سیاسی که در نامه امام (ره) به آقای انصاری به کار رفته بود، بوده است (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۱۷۸ و مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۶۴۵ و ۶۴۶) و بالاخره اعلام نظر موافق امام (ره) با حذف شورای رهبری در ملاقات برخی از اعضای شورای مذکور با ایشان (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۷۰۷)، حذف شورای مزبور از اصول پنجم و یکصد و هفتم قانون اساسی در بازنگری ۱۳۶۸ را به دنبال داشت.

۳- مجمع تشخیص مصلحت نظام

شکل‌گیری مجمع در سال ۱۳۶۶ محصول اندیشه‌های حکومتی امام (ره) در باب ولایت مطلقه فقیه، لزوم توجه به مصلحت نظام و احکام حکومتی و بنا به دستور مستقیم ایشان در این خصوص بود (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۰، صص ۴۶۴ و ۴۶۵ و شریعتی، ۱۳۸۰، صص ۱۳۱-۱۲۳).

در فرمان امام (ره) برای بازنگری قانون اساسی، «مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد» ششمین محوری بود که برای انجام بازنگری مشخص شده بود (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۶۴). در اجرای فرمان امام (ره) در بازنگری ۱۳۶۸، مجمع در قانون اساسی وارد گردید. علاوه بر این فرمان امام (ره) برای تشکیل مجمع نیز در شورای بازنگری برای تصویب موضوعات مختلف مجمع مورد بهره برداری قرار گرفت. (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۸۴۶).

حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان به عنوان مهم‌ترین وظیفه‌ای که در اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی برای مجمع مقرر گردیده است ناشی از رویه امام (ره) در واگذاری اختیار حل و فصل اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس به مجمع قبل از بازنگری قانون اساسی است. (نک مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۸۴۰). تصریح به دو وظیفه مجمع در فرمان امام (ره) برای بازنگری که عبارتند از حل معضلات نظام و ارائه مشورت به مقام رهبری (امام خمینی،

۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۶۴، باعث قرار گرفتن هر دو وظیفه مذکور در اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی در بازنگری قانون اساسی گردید. مقرر شدن انتخاب اعضای مجمع از سوی مقام رهبری در اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی را می‌توان متأثر از رویه عملی امام (ره) در انتخاب اعضای مجمع قبل از بازنگری قانون اساسی دانست. همچنین قسمت پایانی اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید» را هم می‌توان متأثر از رویه امام (ره) در این خصوص دانست.

۴- قوه مقننه

تأکید امام (ره) بر حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و نقش آنها در امور را می‌توان در پیش بینی مجلس قانون‌گذاری متشکل از نمایندگان مردم مؤثر دانست یا حداقل منطبق با اندیشه‌های ایشان دانست. امام (ره) در آستانه پیروزی انقلاب از تشکیل مجلس سخن می‌گفتند و پس از پیروزی انقلاب نیز بر شکل‌گیری نهادهای نظام از جمله مجلس شورای اسلامی تأکید داشتند و از جمله اهدافی که از تصویب قانون اساسی دنبال می‌نمودند تشکیل مجلس بود (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، ص ۲۹۶).

تأکیدات مکرر امام (ره) در مراحل مختلف انقلاب مبنی بر اسلامی بودن انقلاب، تأکید بر تعیین نوع نظام سیاسی که محتوای آن اسلام است، تأکید بر تصویب قانون اساسی منطبق بر معیارهای اسلام و تأکید بر اسلامی بودن همه قوانین نظام بر آمده از انقلاب، اصرار بر اظهار نظر علما در خصوص پیش نویس قانون اساسی، دعوت از مردم برای انتخاب اسلام‌شناسان به عنوان عضو مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، و ارائه رهنمود به اعضای مجلس برای تصویب قانون اساسی صد در صد اسلامی را می‌توان از مواردی دانست که سبب گردید اصل چهارم قانون اساسی در خصوص لزوم انطباق همه قوانین با موازین اسلام تصویب شود و در اصل هفتاد و دوم در تعیین محدوده صلاحیت مجلس شورای اسلامی مقرر شود که مجلس نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور مغایرت داشته باشد و برای تضمین این امر هم نظارت فقهای شورای نگهبان مقرر شود.

تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به دستور امام (ره) و قرار گرفتن آن در قانون اساسی در اجرای فرمان امام (ره) در خصوص بازنگری در قانون اساسی، که مهم‌ترین وظیفه آن حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان است، باعث شد یک مرحله اتفاقی به مراحل وضع قانون مقرر در قانون اساسی اضافه شود و رابطه طولی بین دو رکن قوه مقننه مقرر در قانون اساسی ۱۳۵۸ تعدیل شود.

در فرمان امام (ره) برای بازنگری قانون اساسی «تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی» به عنوان محور هشتم مشخص شده بود (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۶۴) و در همین راستا در شورای بازنگری هم تغییر نام مجلس از «مجلس شورای ملی» به «مجلس شورای اسلامی» در قانون اساسی تصویب گردید. همچنین در اجرای فرمان امام (ره) که بررسی «تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی» را به عنوان محور پنجم که باید مورد بازنگری واقع می‌شد، مشخص نموده بودند (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۶۴)، این امر در شورای بازنگری مورد توجه قرار گرفت و اصل شصت و چهارم در خصوص چگونگی افزایش تعداد نمایندگان اصلاح شد و به جای معیار افزایش جمعیت، عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها ملاک افزایش تعداد نمایندگان قرار گرفتند.

۵- قوه مجریه

تأکید امام (ره) بر «جمهوری اسلامی» و معرفی این نوع حکومت به عنوان حکومت مطلوب، علاوه بر تأثیراتی دیگری که بر شکل‌گیری موضوعات مربوط به قانون اساسی داشته است بر قوه مجریه هم مؤثر بوده است. از آنجا که از خصایص حکومت جمهوری وجود مقام ریاست جمهوری و انتخابی بودن مقام مزبور است (آشوری، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱) امام (ره) با تأکید بر این نوع حکومت در پیش‌بینی پست ریاست جمهوری در قانون اساسی و همچنین در انتخابی بودن آن تأثیر گذار بوده است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۲۳).

امام (ره) قبل از پیروزی نهایی انقلاب اسلامی، مهندس بازرگان را به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت انتخاب کردند. این اقدام امام (ره) که حکایت از این داشت که ایشان در اندیشه خود برای ساختار حکومت آینده پست نخست‌وزیری را هم در نظر گرفته‌اند سبب شد که به طور طبیعی این پست در سال ۱۳۵۸ در قالب قانون اساسی پیش‌بینی شود.

حضرت امام (ره) در فرمان بازنگری قانون اساسی «تمرکز در مدیریت قوه مجریه» را به عنوان دومین محور مشخص کردند (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۶۴). از این طریق ایشان در تغییراتی که در بازنگری قانون اساسی در قوه مجریه ایجاد شد نقش داشتند. در شورای بازنگری هم به فرمان امام (ره) در این خصوص استناد شده است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۱).

امام (ره) جمهوری اسلامی را به عنوان نوع حکومتی که محتوای آن مطابق موازین اسلامی است به عنوان حکومت مطلوب معرفی نمودند و بر تصویب قانون اساسی کاملاً اسلامی تأکید نمودند، موارد فوق سبب شد که در تصویب قانون اساسی به مسائل اسلام توجه شود. از جمله این موارد می‌توان به پیش‌بینی شرایطی چون از «رجال مذهبی بودن» و «مومن و معتقد به

مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور بودن» در اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی به عنوان شرایط رئیس جمهور اشاره نمود.

در خصوص ارتش، مقرر شدن ویژگی‌هایی نظیر اسلامی بودن، مکتبی و مردمی بودن و پذیرش افرادی شایسته به خدمت که به اهداف انقلاب اسلامی مومن و در راه تحقق آن فداکار باشند در اصل یکصد و چهل و چهارم قانون اساسی را می‌توان متأثر از تأکید امام (ره) بر لزوم اسلامی بودن قانون اساسی دانست. عدم پیش بینی شرایط مزبور در پیش نویس قانون اساسی دولت موقت و اضافه شدن شرایط مزبور در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، می‌تواند مؤید این امر باشد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محصول انقلابی است که امام (ره) با رهبری خود آن را به پیروزی رساند.

۶- قوه قضائیه، صدا و سیما و شورای بازنگری

پیش بینی «اجرای حدود و مقررات مدون جزای اسلام» به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، پیش بینی امکان استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر از سوی قضات برای صدور حکم در اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی و ضامن دانستن قاضی مقصر در اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی طبق موازین اسلامی را، می‌توان متأثر از اندیشه امام (ره) در خصوص لزوم اسلامی بودن قانون اساسی دانست (نک امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۹، ص ۱۶۶).

مقرر کردن انتصاب یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را به عنوان رییس قوه قضائیه که عالیتترین مقام قوه قضائیه است از سوی مقام رهبری که در جایگاه ولایت فقیه قرار دارد، متأثر از اندیشه‌های امام (ره) در خصوص تعلق مقام قضا به ولی فقیه در حکومت اسلامی است (امام خمینی، (الف)، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

همچنین لزوم اجتهاد برای رئیس قوه قضائیه و رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور را می‌توان متأثر از شرایطی که از دیدگاه امام (ره) برای قاضی مقرر شده است دانست (نک امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۸۳).

با عنایت به این که، سومین محوری که در فرمان امام (ره) برای بازنگری مشخص شده بود، تمرکز در مدیریت قوه قضائیه بود (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۶۴)، حذف شورای عالی قضایی و جایگزینی آن به وسیله رئیس قوه قضائیه در بازنگری قانون اساسی، متأثر از اندیشه امام (ره) در این خصوص است. همچنین تغییراتی که در چگونگی انتخاب وزیر دادگستری در اصل یکصد و شصتم قانون اساسی ایجاد گردید ناشی از تغییرات و اصلاحاتی بود که در اصول مربوط به قوای قضائیه و مجریه در بازنگری قانون اساسی ایجاد گردید که این تغییرات

خود در اجرای فرمان امام (ره) برای بازنگری در قانون اساسی بودند. تغییراتی که در خصوص دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور در بازنگری قانون اساسی ایجاد شد نیز در راستای فرمان امام (ره) در خصوص ایجاد تمرکز در قوه قضائیه و جایگزین شدن شورای عالی قضایی به وسیله رئیس قوه قضائیه در بازنگری قانون اساسی بود.

۷- صدا و سیما

قید «موازن اسلامی» در اصل اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی قبل و بعد از بازنگری، به عنوان امری که باید فعالیت های صدا و سیما با رعایت آنها صورت پذیرد، متأثر از اندیشه‌های امام (ره) در خصوص تصویب قانون اساسی منطبق با موازین اسلام است. نظر به این که، در فرمان امام (ره) برای بازنگری در قانون اساسی، «تمرکز در مدیریت صدا و سیما به صورتی که قوای سه گانه در آن نظارت داشته باشند» به عنوان چهارمین محوری که باید مورد بازنگری واقع می شد مشخص شده بود (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۶۴)، تمرکز ایجاد شده در مدیریت این سازمان که در بازنگری مقرر شده است در اجرای فرمان امام (ره) و مستقیماً متأثر از اندیشه ایشان بوده است.

با عنایت به این که در فرمان امام (ره) برای بازنگری در کنار ایجاد تمرکز در مدیریت صدا و سیما، نظارت قوای سه گانه بر آن هم مقرر شده بود (همان)، در بازنگری قانون اساسی در اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، نظارت قوای سه گانه مورد توجه قرار گرفت (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۵۱) و به جای اداره سازمان زیر نظر مشترک قوای سه گانه قضاییه (شورای عالی قضایی)، مقننه و مجریه، مقرر گردید که شورایی مرکب از نمایندگان رییس جمهور و رییس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) بر سازمان صدا و سیما نظارت داشته باشند.

اضافه شدن قید «مصلح کشور» در بازنگری قانون اساسی، به عنوان امری که آزادی بیان و نشر افکار در صدا و سیما باید با رعایت آن صورت پذیرد را می توان متأثر از اندیشه امام (ره) در خصوص اهمیت توجه به مصلحت نظام و رعایت آن دانست. تغییر عنوان فصل دوازدهم قانون اساسی از «رسانه‌های گروهی» به «صدا و سیما» هم مطابق عباراتی است که حضرت امام (ره) در فرمان بازنگری بکار برده‌اند.

۸- شورای بازنگری

موضوع مهمی از قانون اساسی که اندیشه و عمل امام (ره) مستقیماً بر آن تأثیرگذار بوده است، شیوه بازنگری در قانون اساسی است. در فرمان امام (ره) برای بازنگری در قانون

اساسی، «راه بازنگری به قانون اساسی» هفتمین محوری بود که برای بازنگری مشخص شده بود (امام خمینی، ۱۳۸۵ (ب)، ج ۲۱، ص ۳۶۴). در اجرای فرمان امام (ره) چگونگی بازنگری در قانون اساسی در اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی مقرر گردید.

مراحل بازنگری مقرر در اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی، از جمله مراحل مربوط به صدور فرمان بازنگری از سوی مقام رهبری، تصویب در شورای بازنگری و تأیید در همه پرسی، به رویه ای که برای بازنگری در قانون اساسی از سوی امام (ره) اتخاذ شده بود، شباهت دارد و متأثر از آن بوده است.

تغییر ناپذیر اعلام شدن محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای تمام قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران، جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران را می‌توان متأثر از اندیشه‌های امام (ره) در خصوص موضوعات مزبور دانست.

نتیجه

مواردی نظیر زمینه سازی تئوریک برای تشکیل حکومت اسلامی با طرح مباحث حکومت اسلامی در قالب کتب ولایت فقیه و جلد دوم البیع، رهبری انقلاب اسلامی، معرفی جمهوری اسلامی به عنوان نظام مطلوب، پیگیری تصویب قانون اساسی، دعوت به نقد پیش نویس قانون اساسی، دعوت به انتخاب اسلام شناسان به عنوان اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی، تأکید بر محتوای اسلامی نظام و تصویب قانون اساسی کاملاً اسلامی، مقابله با طرح انحلال مجلس خبرگان، صدور فرمان بازنگری قانون اساسی، مشخص کردن محورهای بازنگری، تعیین اعضای شورای بازنگری و اظهار نظر صریح در خصوص برخی موضوعات خاص از سوی امام خمینی (ره) و استناد اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و شورای بازنگری به دیدگاه‌های امام (ره)، تأثیرگذاری اندیشه‌های حکومتی امام (ره) بر تکوین قانون اساسی را نشان می‌دهد و آن را تأیید می‌نماید.

از آنچه بیان شد نتیجه می‌گیریم اندیشه‌های حکومتی امام خمینی (ره) تأثیر غیر قابل انکار بر تکوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه موضوعات مربوط به نوع حکومت، حاکمیت و نهادهای سیاسی داشته است. در این میان تأثیر اندیشه‌های حکومتی امام (ره) بر نوع حکومت، ماهیت اسلامی نظام، نهاد رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام پررنگ تر از سایر موضوعات بوده است.

با عنایت به مراتب فوق، برای آشنایی با مبانی فکری و تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، شناخت اندیشه‌های حکومتی امام (ره) ضرورتی اجتناب ناپذیر است. امری که باید مد نظر محققان حقوق اساسی جمهوری اسلامی و دانش پژوهان این حوزه باشد.

منابع و مأخذ

۱. آشوری، داریوش، (۱۳۷۰)، *دانشنامه سیاسی*، چاپ دوم، تهران: مروارید.
۲. آیت، حسن، (۱۳۶۰)، *چهره حقیقی مصدق السلطنه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. اسماعیلی، خیرالله، (۱۳۸۴)، *دولت موقت*، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. اهوازی، عبدالرزاق، (۱۳۸۶)، *امام خمینی (س) به روایت آیت الله هاشمی رفسنجانی*، چاپ سوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۵. جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۸۵)، *اندیشه سیاسی امام خمینی (س)*، چاپ اول، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۶. خلیلی، محسن، (۱۳۷۹/۱۳۷۸)، «مقایسه بازنگری در دو قانون اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه متین، فصلنامه پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، سال دوم شماره پنجم و ششم، صص ۱۸۲-۱۳۱.
۷. خمینی، روح الله، (۱۳۶۹) *شؤون و اختیارات ولی فقیه*؛ ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. خمینی، روح الله، (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*؛ مجموعه آثار امام خمینی (ره)، ۲۲ جلد، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. خمینی، روح الله، (۱۳۸۵)، *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، چاپ سیزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۰. خمینی، روح الله، (۱۳۸۰)، *تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، چاپ نوزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، *البیع*، پنج جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۲. روحانی، حمید، (۱۳۸۱)، *نهضت امام خمینی*، جلد دوم و سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۱۳. شجاعی زند، علی رضا، (۱۳۸۵)، *برهه انقلابی در ایران*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۴. شریعتی، محمد صادق، (۱۳۸۰) *بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام*، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۵. شفیعی فر، محمد، (۱۳۸۵)، *فرآیند استقرار جمهوری اسلامی*، چاپ اول، تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۶. صرامی، سیف الله، (۱۳۸۰)، *احکام حکومتی و مصلحت*، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام تهران: نشر عبیر.
۱۷. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۳)، *فقه سیاسی*؛ جلد هشتم، تحول مبانی اندیشه سیاسی در فقه شیعه، تهران: امیرکبیر.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۴)، *فقه سیاسی*، جلد نهم، قواعد فقه سیاسی (مصلحت)، تهران: امیرکبیر.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی ایران (علل، مسائل و نظام سیاسی)*، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۵)، *حقوق اساسی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۷)، *کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مجد.

۲۲. فوزی، یحیی، (۱۳۸۴)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲۳. قلفی، محمد وحید، (۱۳۸۴)، مجلس خیرگان و حکومت دینی در ایران، تهران: چاپ و نشر عروج.
۲۴. مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۴)، مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تهران: مجلس شورای اسلامی.
۲۵. مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۰)، مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، تهران: مجلس شورای اسلامی.
۲۶. مدنی، جلال الدین، (بی تا)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، (۱۳۸۴)، جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی، تبیان، دفتر سی و پنجم، چاپ دوم، تهران.
۲۸. معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، (۱۳۸۶)، مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۲۹. منصور نژاد، محمد، (۱۳۷۸)، «طرح مصلحت در اندیشه امام خمینی و تحلیلی بر آن»، احکام حکومتی و مصلحت، مجموعه آثار کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۳۰. منصوری، جواد، (۱۳۸۶)، آشنایی با انقلاب اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
۳۱. مهرپور، حسین، (۱۳۸۷)، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، چاپ سوم، تهران: اطلاعات.
۳۲. یزدی، محمد، (۱۳۸۰)، خاطرات آیت الله محمد یزدی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- «تاریخچه حقوق بشر در اسلام» سال ۷۰، شماره ۲۷. «مقدمه‌ای بر مطالعه تطبیقی منابع و مبانی نظام حقوقی اسلام و سیستم حقوقی روم»، سال ۷۳، شماره ۳۱. «مقدمه‌ای بر حقوق اسلامی تطبیقی»، سال ۷۳، شماره ۳۲. «حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام»، سال ۱۳۸۶، شماره ۴. «ماهیت حقوقی وصیت»، سال ۱۳۸۸، شماره ۲.